

پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

(علمی-پژوهشی)

سال دوم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۳۹۲

تأثیر استفاده از تصویر در افزایش دانش واژگانی فارسی‌آموزان خارجی: مطالعه‌ی موردی فارسی‌آموزان کره‌ای

فهمیه قیانداری بیدگلی

عضو هیأت علمی گروه آموزش زبان فارسی- دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

سید محمد ضیا حسینی

استاد آموزش زبان- دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

امروزه در زبان‌آموزی، آموزش واژه به عنوان یک مهارت زبانی در کنار سایر مهارت‌های زبانی مطرح می‌شود و باید در برنامه‌های زبان‌آموزی به واژه‌آموزی توجه بیشتری کرد. دانش واژگانی بخش مهمی از زبان است و گستردگی دایره‌ی واژگانی زبان‌آموز، بر تمامی مهارت‌های زبان‌آموزی او همچون صحبت کردن، درک شنیداری، خواندن و نوشتن تأثیر می‌گذارد. بنابراین، در امر آموزش زبان، معلم باید برای آموزش واژه‌ها روش مناسبی را انتخاب نماید. برای آموزش واژه، روش‌های مختلفی به کار می‌رود و یکی از روش‌های متداول در این زمینه، روش ارائه‌ی تصویر است. در پژوهش حاضر تلاش شده است روش ارائه‌ی تصویر در آموزش واژه‌های زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان در سطح پایه بررسی و ارزیابی گردد. برای اجرای این پژوهش، به صورت تصادفی ۳۰ نفر زبان‌آموز سطح پایه که همگی کره‌ای بودند و در رشته‌های ایران‌شناسی و زبان فارسی تحصیل می‌کردند، انتخاب شدند. ابتدا آزمونی برای تعیین واژه‌های جدید انجام شد. سپس زبان‌آموزان به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند و در پیش‌آزمون شرکت نمودند. عملکرد دو گروه در پیش‌آزمون، تقریباً یکسان بود. بعد از انجام پیش‌آزمون، به هر دو گروه، متن‌هایی داده شد. گروه کنترل، واژه‌های جدید متن را بدون کمک تصویر دریافت کرد و آموزش واژه در این گروه، بدون استفاده از تصویر بود، اما در گروه آزمایش، از تصویر برای آموزش واژه استفاده شد. سپس یک آزمون واژه‌محور برگزار شد و با استفاده از روش‌های آماری، نتایج عملکرد دو گروه بررسی و مقایسه شد. نتایج به دست آمده نشان داد که گروه آزمایش، عملکرد بهتری نسبت به گروه کنترل داشته است که این تأییدی بر کارایی روش تصویر در آموزش واژه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: واژه، روش‌های آموزش واژه، روش ارائه‌ی تصویر

۱. مقدمه

واژه‌ها از عناصر پایه در یادگیری زبان محسوب می‌گردند و نقش مهمی در ایجاد ارتباط دارند. در فاصله‌ی دهه‌های ۴۰ تا ۶۰ میلادی که نقطه‌ی اوج زبان‌شناسی ساختگرا^۱ محسوب می‌شود، بیشتر، ساختار نحوی و نظام آوایی زبان اهمیت دارد و به واژه و آموزش آن اهمیت چندانی داده نمی‌شود. نونان (۲۰۰۱: ۱۰۲ و ۱۰۳) در این زمینه می‌نویسد: «در بیشتر روش‌های آموزش زبان، واژگان نسبت به دستور زبان، نقش دوم را بازی می‌کند و این وضعیت در زمان حاکمیت ساختگرایان و روش شنیداری-گفتاری^۲ بسیار به چشم می‌خورد. طرفداران روش شنیداری-گفتاری معتقدند که تاکید اصلی باید بر فراگیری الگوهای پایه‌ی دستور زبان باشد. بعد از یادگیری این الگوها، نوبت به یادگیری واژه‌ها می‌رسد». گشتاریان^۳ نیز واژگان را موضوعی سطحی و سرشار از بی‌نظمی می‌دانند، حال آن‌که از منظر ایشان، دستور، منظم و قاعده‌مند است (کارتر و مک‌کارتی، ۱۹۸۸: ۴۱).

در دهه‌ی ۷۰ میلادی، مخالفت با نظریه‌ی حاکم شروع می‌شود و ویلکینز (۱۹۷۴: ۴۲) که از اولین مخالفان است، این‌گونه اذعان می‌دارد: «بدون دستور، می‌توان اطلاعات کمی را منتقل کرد، اما بدون واژه انتقال اطلاعات اصلاً امکان ندارد». در این زمان، موضوع گسترش واژه‌ها و یادگیری آن‌ها به عنوان یک مهارت زبانی مطرح می‌شود (کارتر و مک‌کارتی، ۱۹۸۸: ۴۳). به تدریج با تحول در آموزش واژه، به جنبه‌های مختلف آن همچون بسامد، محدودیت‌های کاربرد واژه، نقش نحوی آن، همنشینی واژه‌ها، ساختار معنایی واژگان و کاربرد آموزشی آن و مسائلی از این دست توجه می‌شود و تا پایان دهه‌ی ۷۰، به تدریج جایگاه آموزش واژه در زبان‌آموزی تثبیت می‌شود و دانش واژگانی به بخش مهمی از یادگیری زبان دوم/خارجی بدل می‌شود که زبان‌آموز باید فعالانه به آن بپردازد.

امروزه، تسلط بر واژه‌ها، یک مهارت زبانی به حساب می‌آید و هدف از آن، توانایی کاربرد واژه است. «فرایند واژه‌آموزی، فرایندی رو به رشد است؛ یعنی هم‌زمان با استفاده‌ی بیشتر از زبان جدید برای برقراری ارتباط، نیاز به واژه‌های جدید و نیز درک و تعمیق معنای واژه‌های قبلی، بیشتر می‌شود» (گلهداری، ۱۳۹۰: ۸۶۶). در واقع، گستردگی دایره‌ی واژگانی زبان‌آموز بر مهارت‌های زبان‌آموزی همچون صحبت کردن، درک شنیداری، خواندن، درک مطلب و نگارش، تاثیرگذار است. بنابراین، در حوزه‌ی آموزش زبان، اعم از زبان اول و زبان دوم یا خارجی، معلم باید درباره‌ی چگونگی آموزش واژه‌ها به دقت عمل کرده، روش مناسبی را انتخاب نماید. این‌که چگونه زبان‌آموزان با واژه‌های جدید آشنا می‌شوند؟ به چه روشی واژه‌های جدید به آن‌ها ارائه می‌شود؟ در راستای این امر، از چه وسایل و ابزار استفاده می‌شود؟ آیا واژه‌ها مورد به مورد

1. structuralism

2. audio-lingual

3. transformationalists

آموزش داده می‌شوند؟ هر واژه در متن تدریس می‌شود؟ واژه باید همراه دیگر فعالیت‌های زبانی تدریس شود؟ واژه می‌تواند جدا از دیگر فعالیت‌های زبانی آموخته شود؟ و موارد دیگر، نمونه سوال‌هایی است که در آموزش واژه مورد توجه بوده و هست.

سیل (۱۹۹۱؛ نقل از هیچ و براون، ۱۹۹۵: ۴۰۳) آموزش واژه را در دو قالب، امکان‌پذیر می‌داند: آموزش واژه در قالب فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده^۱ و آموزش در قالب فعالیت‌های برنامه‌ریزی نشده^۲. در آموزش واژه بر مبنای فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده، مدرس و زبان‌آموز هدفی را دنبال می‌کنند، برنامه‌ریزی از قبل انجام شده، تعداد و نوع واژه‌ها تعیین شده است و با توجه به نوع واژه‌ها، روش آموزش مشخص می‌شود. گاهی نیز زبان‌آموز، یک واژه را در طول درس می‌شنود و معنای آن را می‌پرسد یا معلم در کلاس متوجه می‌شود واژه‌ای نیاز به توضیح دارد. این‌ها در زمره‌ی فعالیت‌های برنامه‌ریزی نشده محسوب می‌شوند. سیل روشی به نام سه‌سی^۳ را برای این فعالیت‌ها پیشنهاد می‌کند که در آن، سه مرحله‌ی زیر اجرا می‌گردد: نخست انتقال معنا، دوم ارزیابی یادگیری و اطمینان از دریافت معنا توسط زبان‌آموز و در پایان، تثبیت اطلاعات. در فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده، نوع واژه تعیین‌کننده‌ی روش آموزش است و بر اساس آن می‌توان از روش‌هایی مانند تکرار، روش واژه‌ی کلیدی، ترجمه، ارائه‌ی تصویر^۴، فهرست‌واژه، روش‌های معنایی و... استفاده نمود.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، پژوهش پیش رو در پاسخ به این پرسش انجام شده که آیا روش ارائه‌ی تصویر، بر واژه‌آموزی فارسی‌آموزان کره‌ای تاثیر دارد؟ در پاسخ به این سوال، این فرضیه را مطرح ساختیم که روش ارائه‌ی تصویر، روشی تأثیرگذار در یادگیری و یادآوری واژه است، از این رو دسته‌ای از فارسی‌آموزان کره‌ای که روش ارائه‌ی تصویر برای آموزش واژه به آن‌ها به کار می‌رود، در مقایسه با گروه دیگری که به این روش آموزش نمی‌بینند، عملکرد بهتری خواهند داشت.

۲. مبانی نظری

کاربرد درست و آگاهانه‌ی وسایل دیداری از جمله تصویر، نقش موثری بر یادگیری دارد. البته باید توجه داشت که تاثیر وسایل دیداری بر یادگیری، تابع عوامل و شرایط متفاوتی از جمله هدف آموزش، مخاطب و نیازهای او، روش آموزش و... می‌باشد. از دیرباز، انواع وسایل دیداری از جمله تصویر در زمینه‌ی آموزش مورد توجه و استفاده بوده و به عنوان یک ابزار آموزشی، یادگیری را تسهیل و تقویت می‌نمایند. تصویر، یک

1. planned vocabulary activities

2. unplanned vocabulary activities

3. Three C (Convey meaning, Check meaning, Consolidate meaning)

4. pictorial method

وسیله‌ی ملموس و قابل دسترس برای همگان است که در آموزش حوزه‌ها و علوم مختلف به کار می‌رود و در یادگیری و آموزش، نقش موثری را ایفا می‌کند. در آموزش زبان نیز یکی از اصول بنیادی، اصل دیداری است، از این رو از تصویر در این حوزه نیز استفاده می‌گردد.

۱.۲. نقش تصویر در آموزش

تصویرها همیشه در یادگیری و انتقال آن به دنیای واقعی حائز اهمیت بوده‌اند؛ از نقاشی‌های درون غارها گرفته تا آثار روی دیوار کلیساهای قرون وسطی و تصاویر کتاب کودکان. تصویر همواره یک وسیله‌ی ارتباطی مهم برای انسان بوده است. تصویر، عکس و ابزارهای تصویری مانند نمودار و نقشه، یادگیری را تقویت می‌کنند. حافظه‌ی دیداری^۱ و به‌خاطر سپاری مطلب به کمک تصویر، از جمله فنون آموزشی موثر هستند. «بر اساس تحقیقات به عمل آمده، ۸۳ درصد از آنچه که ما از محیط اطراف فرا می‌گیریم، از طریق چشم است؛ به عبارتی، بیشترین یادگیری در انسان از طریق حس دیداری است. صورت دیداری اشیاء و پدیده‌ها، روشنی و وضوح را به همراه دارد و به کمک آن‌ها مفاهیم مشخص‌تر ساخته می‌شوند» (لطفی‌پور و ذوفن، ۱۳۷۶: ۱۰۶-۱۰۸).

پورشه انواع وسایل دیداری را در امر آموزش بررسی کرده، تصویر را به عنوان شناخته‌شده‌ترین وسیله‌ی دیداری معرفی می‌کند که از دیرباز تاکنون، جزئی از کتاب‌های آموزشی بوده است و با توجه به این‌که به دانش‌آموزان احساس درک واقعی می‌دهد، می‌تواند به عنوان یک وسیله‌ی آموزشی ملموس در رشته‌هایی مانند تاریخ، جغرافیا، علوم طبیعی، نقاشی و... مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، عکس و تصویر در همه‌جا یافت می‌شود و هر کسی می‌تواند آن را به شکل‌های متفاوت و به راحتی برای خود فراهم نماید و در آموزش و یادگیری مورد استفاده قرار دهد (پورشه، ۱۳۶۶؛ نقل از نبوی، ۱۳۸۵: ۲۹).

در آموزش زبان نیز لازم است معلم از وسایل دیداری استفاده نماید؛ اصل دیداری یکی از اصول بنیادی در آموزش زبان است که معمولاً با نمایش خود اشیاء و تصاویر، تحقق می‌یابد. تصاویر، نمودارها، لوحه‌ها و کارت‌ها، از جمله وسایل کمک‌آموزشی غیرفنی می‌باشند که معلم می‌تواند برای سنین و سطوح مختلف، آن‌ها را به کار ببرد (سلسی موريسا، ۱۹۸۸: ۳۰۷ و ۳۰۸)، اگرچه به اعتقاد بعضی از معلمان، بکارگیری تصویر برای دوره‌های نخستین آموزش سودمند است و زبان‌آموزان سطوح بالاتر، نیازی به وسایل دیداری ندارند.

وسایل دیداری سبب ایجاد انگیزه در زبان‌آموزان شده، آن‌ها را به یادگیری علاقمند ساخته، یادگیری را آسان‌تر می‌کند. وسایل دیداری در توضیح مطالب، نقد و بررسی آن‌ها و ایجاد ارتباط و هماهنگی بین آن‌ها

^۱. visual memory

به معلم کمک می‌کنند و یادگیری را عینی‌تر، جذاب‌تر، معنادارتر و موثرتر می‌سازند (آگاروال، ۱۹۹۹؛ نقل از رحمانی‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۱).

از تصویر می‌توان برای آموزش واژه، معنی، تمرین دستور، نوشتن، ارزیابی یادگیری و ... استفاده نمود. هر معلم می‌تواند مجموعه‌ای از تصویرهای مورد نیاز تدریس خود را تهیه کند. حتی زبان‌آموزان نیز می‌توانند تصاویری را برای کلاس تهیه نمایند و در برنامه‌های آموزشی، مشارکت فعال داشته باشند. به اعتقاد گایرنز و ردمن (۱۹۸۶: ۷۶) این‌گونه فعالیت‌ها باعث می‌شود زبان‌آموزان نسبت به آنچه یاد می‌گیرند، احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند، ضمن این‌که آموزش، مطابق نیازها و علائق زبان‌آموزان هدایت خواهد شد. تصویرها، به‌ویژه تصویرهای کتاب، به عنوان یک منبع اطلاعاتی غیرزبانی در کنار اطلاعات زبانی، مفهوم جامعی به زبان‌آموز ارائه می‌کنند؛ زمانی که زبان‌آموز مطلبی را می‌خواند، در کنار بافت زبانی، بافت‌های غیرزبانی مثل اشیاء، تصاویر و ... به زبان‌آموز در دریافت دروندادهای زبانی کمک می‌کنند (کنگ، ۱۹۹۵: ۴۵). در واقع، اطلاعات غیرزبانی به او کمک می‌کنند تا حدس بزند و معنی را سریع‌تر درک نماید. تصاویر به عنوان منبع اطلاعات غیرزبانی توجه زبان‌آموز را به خود جلب کرده، اطلاعات خوبی را در اختیار او قرار می‌دهند. رایت (۱۹۸۹: ۱۳۷) بر استفاده از اطلاعات غیرزبانی در کنار اطلاعات زبانی در روش ارتباطی^۱ تأکید می‌کند. در سال‌های اخیر نیز معلمان تأکید بیشتری بر معرفی زبان جدید به زبان‌آموزان از طریق بافت‌های مناسب داشته‌اند.

تصاویر جالب و سرگرم‌کننده، به عنوان یک محرک، انگیزه‌ی یادگیری را در زبان‌آموزان بالا می‌برند و باعث می‌شوند زبان‌آموزان پاسخ‌های خود را به شیوه‌هایی بهتر و روشن‌تر ارائه دهند. علاوه بر این، تصاویر می‌توانند هم در آموزش انفرادی و هم در آموزش گروهی مورد استفاده قرار گیرند.

رایت (۱۹۸۹: ۱۸۹-۲۳۰) انواع تصاویر و کاربرد آن‌ها را این‌گونه بر می‌شمارد: تصویر اشیاء منفرد، تصویر اشخاص، تصویر مشاهیر، تصویر گروهی از اشخاص، تصویر افراد در حال انجام فعالیت، تصویر اماکن، تصویرهای تاریخی و معلم می‌تواند با استفاده از انواع مختلف تصاویر، فعالیت‌های متنوع زبانی را تنظیم نموده، از آن‌ها برای بالابردن سطح یادگیری و تقویت مهارت‌های زبانی، به طرق مختلف استفاده کند و انواع آن را در یک کلاس به کار ببرد.

نکته‌ی مهم در کاربرد تصویر، انتخاب تصویر مناسب است. مطابقت با هدف معلم، مناسب بودن تصویر برای سن و توانایی زبان‌آموز، اعتبار و توانایی تصویر در برانگیختن علاقه‌ی زبان‌آموز و خصوصیات کیفی تصویر مانند: ترکیب خوب، رنگ‌آمیزی موثر و برجستگی تصویر، از عواملی هستند که در انتخاب تصویر باید مورد توجه قرار گیرند (لطفی‌پور و ذوفن، ۱۳۷۶: ۱۱۳-۱۱۵).

1. communicative method

۲.۲. نقش تصویر در روش‌های مختلف آموزش زبان

استفاده از تصویر و نشانه‌های دیداری در آموزش زبان سابقه‌ای طولانی دارد و در روش‌های مختلف آموزش زبان، از روش مستقیم^۱ تا روش ارتباطی، برای کمک به درک جنبه‌های گوناگون زبان خارجی به کار رفته است.

در روش دستور-ترجمه^۲ که یادگیری زبان به معنای یادگیری ساخت واژگان، معنای آن‌ها و دستور زبان می‌باشد، برای آموزش معنا، به‌ویژه معنای واژه‌ها، بیشتر از تصویر که یکی از قابل دسترس‌ترین انواع نشانه‌های دیداری است، استفاده می‌شده است (رایت، ۱۹۸۹: ۱۳۷)، اگرچه نقش تصویر در این روش نسبت به سایر روش‌ها کمتر می‌باشد (عظیمی‌فرد، ۱۳۸۲: ۴۷).

روش مستقیم که با تاکید بر واژگان، به چهار مهارت زبانی توجه می‌کند، تصویر و سایر نشانه‌های دیداری را به کار می‌برد تا بدون استفاده از ترجمه و زبان اول، زبان‌آموزان را با واژه‌های زبان خارجی آشنا نماید. در واقع در روش مستقیم، برای شفاف ساختن معنای صورت‌های زبانی، از تصویر و حرکت (مانند راه رفتن) استفاده می‌شود (ضیاءحسینی، ۱۳۸۵: ۳۷). بنابراین، تصاویر نقش بسیار موثری در این روش دارند. در روش شنیداری-گفتاری، زبان مجموعه‌ای از الگوهای دستوری در نظر گرفته می‌شود که با تکرار آن‌ها یادگیری صورت می‌گیرد (همان: ۳۹). در این روش که بیشتر به ساختار توجه دارد تا واژه، درس با گفتگو آغاز می‌شود و از نشانه‌های دیداری مانند عکس، تصویر، نقاشی، جدول، نمودار و... می‌توان در فعالیت‌های آموزشی استفاده نمود.

در روش ارتباطی، هدف از یادگیری زبان این است که زبان‌آموز بتواند زبان را در موقعیت‌های مختلف اجتماعی به کار ببرد (همان: ۵۱ و ۵۲). در این روش نیز انواع تصاویر و نشانه‌های دیداری به عنوان یک چارچوب اصلی برای گفت و شنود در یک موقعیت اجتماعی خاص قابل استفاده می‌باشند. فرجاه (۱۳۸۱؛ نقل از عظیمی‌فرد، ۱۳۸۲: ۴۹) اظهار می‌دارد که در این روش، با استفاده از تصاویر، موقعیت‌های ارتباطی جهان خارج به داخل کلاس آورده می‌شود و زبان‌آموز خود را در موقعیتی واقعی تصور می‌کند. زبان‌آموز بر اساس یک تصویر، تصورات مختلفی را ارائه می‌دهد. از تخیلاتی که با دیدن تصاویر به وجود می‌آید، می‌توان برای آموزش زبان استفاده نمود.

۳.۲. تصویر و آموزش مهارت‌های زبانی

تصاویر، ابزار گرافیکی مفیدی هستند که در فرایند آموزش زبان برای تقویت چهار مهارت زبانی قابل استفاده می‌باشند. با بکارگیری تصویر، نوار تصویری، اسلاید و... می‌توان دانش پیشین زبان‌آموز را فعال ساخته، او را

1. direct method

2. grammar-translation method

برای شنیدن و درک متن اصلی آماده نمود. در واقع با این وسایل کمک‌آموزشی، می‌توان فعالیت‌هایی را به منظور آماده‌سازی زبان‌آموزان برای کسب مهارت شنیدن تنظیم نمود (ضیاءحسینی، ۱۳۸۵: ۵۹ و ۶۰).

در شروع آموزش مهارت خواندن نیز با استفاده از تصویر و نشانه‌های دیداری می‌توانیم تفاوت و ارتباط بین حروف و آواهای آن را نشان دهیم. در یادگیری این مهارت، انسان بر اساس تفاوت شکل حرف‌ها، واژه‌ها را شناسایی می‌کند. از این رو باید صورت حرف‌ها و تفاوت میان آن‌ها را آموزش دهیم (همان: ۷۸ و ۷۹). یکی از فعالیت‌هایی که می‌تواند به مهارت خواندن کمک کند، استفاده از تمرین «درست/ نادرست» به همراه تصویر است، به این صورت که در زیر یک تصویر، چند جمله‌ی درست و نادرست نوشته می‌شود و زبان‌آموزان با خواندن آن‌ها، درستی و نادرستی جمله‌ها را مشخص می‌کنند (همان: ۸۰).

همچنین تصاویر می‌توانند فعالیت‌های مختلفی را برای تقویت مهارت صحبت کردن در زبان‌آموز فراهم نمایند. می‌توان تصویری همراه با چند جمله یا متن در اختیار زبان‌آموز قرار داد. این جملات، آن تصویر را شرح می‌دهند. او به تصویر نگاه می‌کند و جمله‌های کنار تصویر را می‌خواند، آن‌گاه به تصویر مشابهی نگاه می‌کند و آن را شرح می‌دهد (همان: ۸۹). همچنین، پورشه (۱۳۶۶؛ نقل از نبوی، ۱۳۸۵: ۲۹) درباره‌ی نقش تصاویر (عکس، نقاشی، طراحی و...) در آموزش زبان دوم از نقشی به نام راه‌اندازی بیان^۱ یاد کرده است. بدین معنا که با تصاویر می‌توان موضوعی را برای سخن گفتن به زبان‌آموزان ارائه کرد تا آنان درباره‌ی موضوع مورد نظر با یکدیگر به گفتگو بپردازند. در این صورت، زبان‌آموز خود را هم‌زمان با زبان و محیط مواجه می‌بیند و از این‌رو، درک و یادگیری زبان، به آسانی صورت می‌گیرد.

به منظور آموزش موثرتر جنبه‌ی گفتاری زبان، بهتر است یادگیری در موقعیت صورت پذیرد؛ به عبارت دیگر، یادگیری باید مبتنی بر عناصر حقیقی در موقعیت ارتباطی باشد. باید به زبان‌آموز اطلاعاتی ملموس و دقیق درباره‌ی موقعیت‌های رسمی کاربرد زبان داده شود و برای رسیدن به این هدف، شاید هیچ بیانی گویاتر از تصویر نباشد.

با استفاده از تصویر، می‌توان موضوعی را به زبان‌آموز ارائه نمود تا درباره‌ی آن بنویسد. این کار باعث تقویت مهارت نوشتن در زبان‌آموز می‌شود. یکی از علت‌های اصلی کاربرد تصویر یا دیگر محرک‌های تصویری برای نوشتن، تاکید بر جزئیات است که استفاده از داستان تصویری و ترسیمی به عنوان موضوعی برای نوشتن، نمونه‌ای از آن می‌باشد. بنابراین، تصاویر به عنوان ابزار کمک‌آموزشی مفید و موثر، می‌توانند به پیشرفت دو مهارت تولیدی سخن گفتن و نوشتن و دو مهارت دریافتی شنیدن و خواندن کمک نموده، آن‌ها را تقویت کنند. این نکته حائز اهمیت است که امروزه دیگر آموزش زبان، تنها به معنای آموزش مهارت‌های صرف زبانی نیست، بلکه اگر زبان‌آموز بخواهد زبانی را بیاموزد، نیازمند آموختن بسیاری از جنبه‌های

^۱. launching speech

غیرزبانی مانند شیوه‌ی لباس پوشیدن، آداب و رسوم، عادات‌ها و نوع رفتار گویشوران بومی آن زبان با یکدیگر و در مجموع، فرهنگ آن زبان می‌باشد. از این جهت، برای آموزش زبان باید از شیوه‌هایی استفاده شود که زبان‌آموز را در معرض جنبه‌های غیرزبانی قرار می‌دهد و کاربرد تصویر هم در کتاب‌های آموزشی و هم به عنوان بخشی از وسایل کمک‌آموزشی، می‌تواند این شرایط را برای زبان‌آموز فراهم سازد.

۴.۲. تصویر و آموزش حوزه‌های مختلف زبان

تصویر به عنوان یک ابزار آموزشی، تجربه‌ی مشترکی را در اختیار زبان‌آموزان یک کلاس قرار داده، درک جنبه‌های گوناگون زبان را بهبود می‌بخشد و با کمک آن می‌توان فعالیت‌های متنوعی برای آموزش اجزاء مختلف زبان همچون واژه، معنا، دستور، و... تدارک دید.

استفاده از تصویر، نقاشی و عکس، یکی از شیوه‌های رایج برای آموزش واژه‌های جدید است. با یک نشانه‌ی تصویری می‌توان چند واژه را به‌طور هم‌زمان ارائه کرد، آن‌گاه از همان تصویر برای سنجش یادگیری زبان‌آموزان و تمرین واژه‌ها استفاده نمود. به عنوان نمونه، می‌توان از زبان‌آموز خواست که واژه‌های مربوط به هر تصویر را در جمله‌ای کوتاه به کار ببرد. به‌علاوه، تصاویر باید به دور از ابهام باشند. تصاویر مبهم معمولاً معانی مختلفی را می‌رسانند؛ بنابراین، باید آن‌ها را قبل از ارائه، ویرایش کرد. لادو (۱۹۶۴: ۱۲۲) می‌گوید: «اگر تصاویر را با متن‌های ساده به کار ببرید، مشکل ابهام برطرف شده، معنی واژه سریع‌تر دریافت می‌گردد».

باید توجه داشت که در آموزش واژه، تنها یادگیری کافی نیست. زبان‌آموز باید بتواند بعد از یادگیری، واژه‌ها را به خاطر سپرده، در موقع لزوم به خاطر آورد. «ارائه‌ی واژه به همراه تصویر در به خاطر سپردن و یادآوری واژه نیز بسیار موثر است. با این روش، نوعی ارتباط ذهنی بین واژه و تصویر ایجاد می‌گردد، به گونه‌ای که یادآوری تصویر باعث به یاد آوردن واژه می‌شود» (ناتینگر، ۱۹۸۸: ۶۶).

تحقیقات نشان می‌دهند که حتی در صورت نبودن تصویر در کنار واژه، زبان‌آموز در ذهن خود تصویری از واژه می‌سازد؛ همراهی واژه و تصویر، حالت تداعی ایجاد می‌کند و فرد با یادآوری آن تصویر، واژه را به یاد می‌آورد (سانائوی، ۱۹۹۵: ۱۶، ۲۳ و ۲۴).

از طرف دیگر، همه نگاه کردن به تصویر را دوست دارند. تصاویر در کلاس می‌توانند به عنوان محرکی برای جلب توجه زبان‌آموزان به کار روند. به عبارت دیگر، از تصاویر می‌توان برای ایجاد انگیزه استفاده نمود. براون (۱۹۹۳، نقل از قپانداری بیدگلی، ۱۳۷۸: ۷۲) اظهار می‌کند زبان‌آموز وقتی شیء یا تصویر آن را ببیند، به یادگیری واژه‌ی مربوط به آن علاقه‌مند شده، در نتیجه واژه را سریع‌تر یاد می‌گیرد.

ضیاءحسینی (۱۳۸۵: ۱۱۷) معتقد است در سطح ابتدایی، معلم برای هر یک از واژه‌ها (واژه‌های عینی) می‌تواند یک تصویر تهیه کند و آن را روی کارت بچسباند و حتی اگر زبان‌آموزان با حروف الفبا آشنا نشده

باشند، واژه‌ها را زیر تصویر بنویسد. این بدان سبب است که زبان‌آموزان پس از چند بار دیدن کارت حاوی تصویر و نوشته‌ی زیر آن، می‌توانند نوشته را بخوانند. این تصویرها باید جذاب و شفاف باشند. حتی واژه‌های انتزاعی مانند میهمانی، راهپیمایی، جشن تولد، شادی و خرید را می‌توان با تصویرهای شفاف آموزش داد. علاوه بر این، انتقال معنی واژه‌ها و عبارت‌های جدید به زبان‌آموز با ارائه‌ی تصویر به راحتی امکان‌پذیر است. قرن‌ها پیش در کلاس درس از تصویر برای آموزش معنا استفاده می‌شده است؛ زیرا تصاویر سبب می‌شوند توجه زبان‌آموز به موضوع جلب شود و و از موضوع مورد نظر، تصویر روشنی به دست آورد. رایت (۱۹۸۹: ۱۳۷ و ۱۳۸) عنوان می‌کند آشنایی با معنا نخستین مرحله از فرایند طولانی آشنایی زبان‌آموز با یکی از جنبه‌های مختلف زبان دوم/خارجی می‌باشد. از این‌رو، زبان‌آموز باید به اندازه‌ی کافی در معرض جنبه‌های مختلف غیرزبانی نیز قرار گیرد تا فرصت جستجو برای دریافت معانی زبانی بیابد. نشانه‌های تصویری این فرصت را در اختیار زبان‌آموز قرار داده، سبب می‌شوند تا او به خارج از جهان کلاس و به جهان زبان دوم راه یابد و با آن آشنا گردد و با این آشنایی، معنا را سریع‌تر دریابد. در واقع با کمک تصویر، می‌توان از دانسته‌های زبان‌آموز در جهت تسهیل و تسریع آموزش بهره برد. الس و همکاران (۱۳۷۲: ۴۱۸) معتقدند که: «روشن ساختن معنای واژه‌های عینی با این شیوه، بسیار آسان‌تر از روشن ساختن معنای واژه‌های انتزاعی است». جای شگفتی نیست که در کتاب‌های درسی، به‌ویژه در مراحل اولیه، بیشتر با واژه‌های عینی روبرو می‌شویم.

از نشانه‌های دیداری می‌توان برای آموزش مقوله‌های دستوری نیز بهره برد. به عنوان نمونه، برای آموزش هم‌زمان مقوله‌های مختلف دستوری می‌توان از جدول و نمودار استفاده نمود (سلسی مورسیا، ۱۹۸۸: ۳۱۳). در آموزش حروف اضافه مانند «روی»، «بالای»، «جلوی»، «زیر» و... نیز می‌توان از نشانه‌های تصویری کمک گرفت. در آموزش جملات شرطی و حروف ربط هم می‌توان از تصویر استفاده نمود. با استفاده از تصاویر می‌توان برخی مفاهیم دستوری همچون زمان‌ها را آموزش داد. معمولاً توصیه می‌شود برای اطمینان از یادگیری زبان‌آموزان، چندین تصویر مربوط به موضوع به آن‌ها نشان داده شود (رایت، ۱۹۸۹: ۱۴۵-۱۴۷). تصاویر در یادگیری نقش مهمی را ایفا می‌کنند و باعث فعال‌سازی قوه‌ی یادگیری در ذهن می‌شوند؛ کتاب‌های درسی و آموزشی که فاقد عکس و تصویر باشند، باعث دلزدگی می‌شوند و یادگیری چندان زیادی را به وجود نمی‌آورند (ظهرایی، ۱۳۸۶: ۲۵۱).

۳. پیشینه‌ی پژوهش

در بحث آموزش واژه و نقش تصویر در یادگیری، تحقیقاتی در زبان انگلیسی و فارسی انجام شده است. پی‌یو (۱۹۷۵؛ نقل از اردکانی، ۱۳۹۲: ۷۳) در پژوهشی، یادگیری به وسیله‌ی تکرار واژه، تکرار تصویر و همراهی واژه و تصویر را مورد بررسی قرار داده، نشان می‌دهد ترکیب تصویر و واژه در یادآوری واژه نتیجه‌ی بهتری را به دنبال دارد. البته سامونلز (۱۹۶۷؛ نقل از اردکانی، ۱۳۹۲: ۷۵) در یک مطالعه‌ی آزمایشگاهی درباره‌ی کودکان کودکان کودکستانی نشان می‌دهد در کودکانی که در حال یادگیری خواندن واژه‌ها هستند، تصویر می‌تواند با یادگیری موازی دیداری واژه تداخل یابد. کنینگ ویلسن (۲۰۰۱؛ نقل از اردکانی، ۱۳۹۲: ۷۴) نیز بیان می‌کند که کاربرد عنصر دیداری، شانس یادگیرنده را برای بهبود و گسترش توانایی‌های زبانی، افزایش می‌دهد. همچنین، پژوهش‌های حیاتی و باوی‌زاده (۱۳۸۸) نیز نشان می‌دهد استفاده از تصویر، تاثیر فراوانی در بهبود یادسپاری اصطلاحات زبان انگلیسی در زبان‌آموزان ایرانی دارد. فیردوس (۲۰۱۰) نیز در بررسی تاثیر داستان تصویری بر آموزش واژگان انگلیسی نشان می‌دهد که تصویر، درک را آسان‌تر می‌نماید و احساس خستگی را در زبان‌آموزان کاهش داده، یادگیری را برایشان لذت‌بخش‌تر می‌سازد و انگیزه‌ی یادگیری را در آن‌ها افزایش می‌دهد. لین (۲۰۱۱) نیز نشان می‌دهد تصویر تا حد قابل توجهی در آموزش واژه به کار می‌رود و تقریباً تمام معلمان و دانشجویان ویتنامی در تاثیر فوق‌العاده‌ی این ابزار در آموزش، اتفاق نظر داشته و تمایل زیادی به استفاده از آن در آموزش واژه دارند؛ چون به نظر آنان، تصویر واژه را جذاب‌تر کرده، توانایی زبان‌آموز را در به خاطر سپردن و استفاده از واژه برای اهداف ارتباطی بالا می‌برد.

توکلی و گرامی تاثیر روش‌های غیرزبانی واژه‌کلیدی^۱ و تصویر را در یادگیری و یادآوری واژه در میان یادگیرندگان زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم بررسی کردند و اگرچه برتری روش واژه‌کلیدی را در ذخیره و حفظ واژه‌ها در حافظه‌ی دراز مدت نشان دادند، مشخص ساختند که اساس و بنیان عملکردی این روش، استفاده از تصویر است.

تحقیقات دیگری همچون زارعی و سلیمی (۲۰۱۲) و زارعی و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان می‌دهند که زبان‌آموزان تمایل بیشتری دارند تا واژه‌هایی را که همراه تصویر ارائه می‌شوند، یاد بگیرند و این واژه‌ها را بهتر یاد می‌گیرند. بر اساس یافته‌های آن‌ها، اگر برای واژه‌های زبان دوم، یادداشت‌های تصویری فراهم شود، یادگیری افزایش می‌یابد و زبان‌آموزان پیشرفت بهتری دارند. عبدالمنافی‌رکنی (۲۰۱۳) نیز در مقایسه‌ی روش ترجمه و روش تصویر در یادگیری واژه در انگلیسی به عنوان زبان خارجی، ثابت می‌کند آموزش واژه‌های جدید با کمک روش تصویر، موثرتر از روش ترجمه می‌باشد و تصویر به زبان‌آموزان در درک و حفظ واژه‌ها کمک می‌کند.

1. keyword method

در زبان فارسی نیز تحقیقاتی انجام شده است. رحمانی‌زاده (۱۳۸۰) به تاثیر به کارگیری تصویر در آموزش مهارت خواندن می‌پردازد و نشان می‌دهد که در آموزش زبان فارسی، تصویر به عنوان یک فعالیت پیش از خواندن در افزایش توانایی درک مطلب زبان‌آموزان نقش مثبتی دارد. عظیمی‌فرد (۱۳۸۲) تصویر و تاثیر آن را در یادگیری فارسی به عنوان زبان دوم بررسی کرده، نشان می‌دهد استفاده از تصویر در آزمون‌های درک مطلب خواندن، دستور و واژگان بسیار موثر است. البته نتایج تحقیقات او ثابت می‌کند که کاربرد تصویر در آزمون‌های دستور نسبت به سایر آزمون‌ها نتایج بهتری به دنبال دارد. او معتقد است معلمان زبان می‌توانند با ابتکار و هنر خود و با بهره‌گیری از کمترین و ساده‌ترین امکانات، بهترین تصاویر را خلق کرده، مورد استفاده قرار دهند؛ چون استفاده از تصویر در کلاس‌ها و کتاب‌های آموزش زبان، می‌تواند کمک شایانی به معلم زبان در تسهیل آموزش نماید.

نبوی (۱۳۸۵) انواع نشانه‌های دیداری را در متون نوشتاری بررسی کرده است. پژوهش او نشان می‌دهد که نشانه‌های دیداری به دریافت معنای متون نوشتاری کمک می‌کنند. مرصوص (۱۳۸۹) نیز تاثیر آموزش هم‌زمان واژه‌های مربوط به یک حوزه‌ی معنایی و کاربرد تصویر را بر یادگیری واژه‌ها مورد بررسی قرار داده، به این نتیجه دست می‌یابد که آموزش واژه‌ها با تصویر، بر میزان یادگیری آن‌ها تاثیر مثبت دارد. همچنین آموزش واژه بر اساس حوزه‌ی معنایی و تصویر به طور هم‌زمان نیز نتایج مثبتی را به دنبال دارد.

۴. روش پژوهش

از آن‌جا که پژوهش حاضر به صورت میدانی صورت گرفته، در این بخش به بیان روش انجام آن می‌پردازیم و مواردی همچون نمونه‌ی آماری و ابزار گردآوری داده‌ها را بیان می‌کنیم.

۱.۴. نمونه‌ی آماری

نمونه‌ی آماری مورد مطالعه در این پژوهش را ۳۰ نفر زبان‌آموز سطح پایه با میانگین سنی ۲۳ سال تشکیل می‌دهند. زبان‌آموزان، دانشجوی رشته‌های ایران‌شناسی و زبان فارسی دانشگاه هانکوک کره‌ی جنوبی بودند که برای یک دوره‌ی ۵ ماهه به ایران آمده بودند و در دانشکده‌ی روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه (گروه زبان‌های بین‌المللی و زبان فارسی) مشغول یادگیری زبان فارسی بودند و در انجام این پژوهش، همکاری نمودند.

۲.۴. ابزار گردآوری داده‌ها

برای انجام پژوهش، از روش پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. زبان‌آموزان به طور تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه کنترل شامل زبان‌آموزانی بود که بدون کمک تصویر، با

واژه‌های جدید روبرو شده، آن‌ها را یاد می‌گرفتند. گروه آزمایش زبان‌آموزانی بودند که همان واژه‌ها را به کمک تصویر یاد گرفتند. در هر دو گروه، مدرس به آموزش واژه‌های جدید پرداخت. روش آموزش واژه که در گروه آزمایش همراه با تصویر و در گروه کنترل بدون تصویر بود، به عنوان متغیر مستقل، و عملکرد زبان‌آموزان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد.

در ابتدا یک آزمون واژه‌محور برگزار شد. این آزمون شامل ۴۰ واژه‌ی مختلف شامل فعل، قید، صفت و اسم بود. از طریق این آزمون، واژه‌هایی که برای هر دو گروه جدید بود، مشخص شدند. بعد از تعیین واژه‌های ناآشنا و جدید، از میان آن‌ها واژه‌هایی مبتنی بر آزمون و سطح زبان‌آموزان برای تدریس انتخاب شدند. بر پایه‌ی این واژه‌ها، دو متن در سطح پایه تهیه شد و از میان اقسام مختلف واژه (اسم، صفت، فعل و قید)، ۲۰ واژه در متن مشخص و برای آن‌ها تصویرهایی تهیه شد. در این مرحله، با توجه به پیشینه و شرایط یکسان زبان‌آموزان، آن‌ها به طور تصادفی به دو گروه تقسیم شدند و در یک پیش‌آزمون شرکت نمودند. سپس متن ساده و بدون تصویر در اختیار گروه کنترل، و متن همراه با تصویر در اختیار گروه آزمایش قرار گرفت و یک مدرس عهده‌دار تدریس به دو گروه گردید. از آن‌جا که ایجاد تفاوت دیداری مانند بزرگ و کوچک کردن نوشته‌ها، خط کشیدن زیر نوشته و... می‌تواند به تشخیص و دریافت زبان‌آموز کمک کند (رایت، ۱۹۸۹: ۱۰۴ و ۱۰۵)، برای گروه آزمایش، ضمن استفاده از تصویر در کنار واژه‌ی مورد نظر، در متن نیز زیر واژه خط کشیده شد. علاوه بر این، مدرس در گروه آزمایش می‌توانست هنگام تدریس و در زمان توضیح واژه، از دو یا سه تصویر دیگر مربوط به واژه استفاده کند. برای گروه کنترل، همان متن بدون تصویر به کار برده شد و واژه‌های جدید با کمک واژه‌های ساده‌ی دیگر و بدون کمک تصویر، توضیح داده شد. آن‌گاه پس از آزمون برگزار و نتایج، بررسی شد. سوالات پس‌آزمونی نیز که از هر دو گروه به عمل آمد، به صورت چهارگزینه‌ای بود.

۵. یافته‌های پژوهش

برای بررسی فرضیه‌ی مورد نظر، بعد از تعیین واژه‌ها و تهیه‌ی متن و تصویر، با تکیه بر واژه‌های انتخاب شده، پیش‌آزمونی از زبان‌آموزان دو گروه به عمل آمد. بر اساس عملکرد زبان‌آموزان در آزمون و با کمک آمار توصیفی، داده‌ها طبقه‌بندی شده، میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه محاسبه و تعیین گردید و سپس از آزمون تی مستقل استفاده شد. میانگین نمرات زبان‌آموزان دو گروه در جدول (۱) آمده است و نشان می‌دهد که میانگین گروه آزمایش (۱۰/۵۳) کمی بیشتر از میانگین گروه کنترل (۴۷/۹) است.

آزمون تی مستقل ($t = ۱/۴۶$ ، $p = ۰/۰۷$ ، $d = ۰/۵۳$) تفاوت قابل توجه و معناداری را بین میانگین نمرات دو گروه در پیش‌آزمون نشان نمی‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت زبان‌آموزان دو گروه در پیش‌آزمون عملکرد یکسانی داشته‌اند.

بعد از انجام پیش‌آزمون، متن‌های تهیه شده در اختیار دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفت. متن‌های گروه آزمایش همراه با تصویر بود؛ به این صورت که در کنار هر واژه، تصویر آن نیز دیده می‌شد. علاوه بر تصویرهای موجود در متن، مدرس می‌توانست در صورت نیاز، در زمان ارائه و توضیح واژه از تصویرهای دیگری نیز استفاده کند. برای گروه کنترل، مدرس با استفاده از واژه‌های ساده‌ی دیگر، واژه‌های مورد نظر را توضیح می‌داد. بعد از آن، آزمونی یکسان از هر دو گروه گرفته شد.

بعد از انجام پس‌آزمون، میانگین و انحراف معیار هر دو گروه به دست آمد. سپس آزمون مقایسه‌ی میانگین دو گروه انجام شد (جدول ۲). داده‌های به دست آمده در جدول (۲) نشان می‌دهد میانگین نمرات گروه آزمایش (۲۷/۱۷) بیش از گروه کنترل (۱۳/۷۳) است.

نتایج آزمون تی مستقل ($t = ۳۴۸/۳$ ، $p = ۰/۰۰۱$ ، $d = ۱/۲۳$) نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میانگین گروه کنترل و گروه آزمایش وجود دارد. بر اساس داده‌های جدول ۲ و ۳، در سطح اطمینان ۹۵٪ میانگین گروه آزمایش ۱۷/۲۷، و میانگین گروه کنترل، ۱۳/۷۳ است. اختلاف میانگین‌ها ۵۳/۳ و شاخص اندازه اثر ۱/۲۳ است که نشان‌دهنده‌ی عملکرد بهتر گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل است. به عبارت دیگر، متغیر مستقل، یعنی روش ارائه‌ی تصویر در آموزش واژه، موثر است و تأثیر زیادی در یادگیری واژه دارد و می‌توان نتیجه گرفت که در تدریس واژه‌ها باید از تصویر استفاده نمود تا یادگیری بهتر صورت بگیرد.

جدول ۱. آمار توصیفی پیش‌آزمون

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
آزمایش	۱۵	۱۰/۵۳	۱/۸۴۷	۰/۴۷۷
کنترل	۱۵	۹/۴۷	۲/۱۳۴	۰/۵۵۱

جدول ۲. آمار توصیفی پس‌آزمون

	آزمون برای برابری واریانس لوبین		آزمون تی مستقل					فاصله اطمینان ۹۵٪	
	F	سطح معناداری	T	df	سطح معناداری (دو دامنه‌ای)	اختلاف میانگین‌ها	خطای معیار اختلاف	پایین	بالا
واریانس برابر		۰/۶۱۸	۳/۳۴۸	۲۸	۰/۰۰۲	۳/۵۳۳۳۳	۱/۰۵۵۳۰	۱/۳۷۱۶۶	۵/۶۹۵۰۱
واریانس نابرابر	۰/۳۵۴		۳/۳۴۸	۲۶/۸۶۸	۰/۰۰۲	۳/۵۳۳۳۳	۱/۰۵۵۳۰	۱/۳۶۷۵۵	۵/۶۹۹۱۲

جدول ۳. آزمون تی مستقل پس‌آزمون

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین
آزمایش	۱۵	۱۷/۲۷	۲/۵۷۷	۰/۶۶۵
کنترل	۱۵	۱۳/۷۳	۳/۱۷۳	۰/۸۱۹

۶. نتیجه‌گیری

دانش واژگانی بخش مهمی از زبان است و گستردگی دایره‌ی واژگانی زبان‌آموز، بر کلیه‌ی مهارت‌های زبان -آموزی او همچون صحبت کردن، درک شنیداری، خواندن و نوشتن تاثیر می‌گذارد. بنابراین، در امر آموزش زبان، معلم باید برای آموزش واژه‌ها روش مناسبی را انتخاب نماید. برای آموزش واژه، روش‌های مختلفی به کار می‌رود و یکی از روش‌های متداول در این زمینه، روش ارائه‌ی تصویر است. در پژوهش حاضر، روش ارائه‌ی تصویر و نقش آن در یادگیری واژه توسط زبان‌آموزان کره‌ای بررسی شده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد زبان‌آموزانی که واژه‌ها را با کمک تصویر یاد گرفته‌اند، در پس‌آزمون، عملکرد بهتری از خود نشان دادند؛ به عبارتی، هنگام تدریس، وجود تصویر در کنار واژه، یادگیری را بهبود می‌بخشد. بر اساس تحقیقات انجام شده، تصویر، یادگیری را آسان‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌سازد و زبان‌آموزان تمایل بیشتری به یادگیری واژه‌های همراه با تصویر داشته‌اند و آن‌ها را بهتر یاد می‌گیرند. نتایج حاصل از این پژوهش، تاییدی بر تحقیقات مختلفی در زبان فارسی و انگلیسی است که هر یک به نوبه‌ی خود، تاثیرگذاری استفاده از تصویر را در یادگیری واژه به اثبات رسانده‌اند. به عنوان مثال، رحمانی‌زاده (۱۳۸۰) و نبوی (۱۳۸۵) در پژوهش خود دریافتند که کاربرد تصویر در آزمون‌های درک مطلب خواندن و درک معنای متون نوشتاری، تاثیر مثبت و سازنده‌ای دارد. همچنین عظیمی‌فرد (۱۳۸۲) علاوه بر نقش تصویر در درک مطلب خواندن، تاثیر مثبت تصویر در آزمون دستور و واژه را نیز بررسی کرده است و بدین نتیجه رسیده است که تصویر می‌تواند دانش دستوری و واژگانی زبان‌آموزان را تقویت کند. علاوه بر این، نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش مرصوص (۱۳۸۹) که نشان می‌دهد آموزش واژه‌ها با تصویر بر میزان یادگیری آن‌ها تاثیر مثبت دارد، همخوان است. با این حال، اگرچه روش تصویر برای ارائه‌ی واژه‌های عینی بیشتر مورد استفاده

قرار می‌گیرد، اما پیشنهاد می‌شود که برای حصول نتیجه‌ی بهتر در آموزش، واژه‌های انتزاعی را نیز با کمک تصویر آموزش داد که البته در انتخاب تصویر مناسب باید دقت لازم مبذول گردد. وجود فرهنگ‌های تصویری نیز ابزار کمک‌آموزشی مناسبی هستند. همچنین تصویر باید به دور از هرگونه ابهام، بیانگر واژه‌ی مورد نظر باشد. تصویرسازی برای واژه‌ها و نوع تصویری که برای آموزش آن‌ها به کار می‌رود، بسیار حائز اهمیت است که می‌تواند به عنوان یک موضوع پژوهش، مورد بررسی قرار گیرد. توج

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می‌دانم از زبان‌آموزان کره‌ای که در اجرای آزمون همکاری داشتند و همچنین از سرکار خانم فریبا قیانداری بیدگلی که در تهیه‌ی تصویرهای آزمون همکاری نمودند، تشکر و قدردانی نمایم

منابع:

- حیاتی، ع. و باوی‌زاده، خ. (۱۳۸۸). تأثیر استفاده از تصویر بر یادآوری اصطلاحات زبان انگلیسی به وسیله‌ی زبان‌آموزان ایرانی. *اولین همایش زبان، گفتمان و منظورشناسی*. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- رحمانی‌زاده، م. (۱۳۸۰). نقش راهکارهای دیداری (تصویر) در درک خواندن. رساله‌ی کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ضیاءحسینی، م. (۱۳۸۵). روش تدریس زبان خارجی/دوم. تهران: انتشارات رهنما.
- ظهرایی، م. (۱۳۸۶). نقش تصویر و متن در یادگیری. *مجله‌ی فلسفه و کلام*، شماره ۱۳، صص: ۲۴۹-۲۶۰.
- عظیمی‌فرد، ف. (۱۳۸۲). تأثیر استفاده از تصویر در کمک به یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم. رساله‌ی کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- داوری اردکانی، ن. و فارسی، آ. (۱۳۹۲). گرافیک در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان: نقش ارتباطی و کارکرد آثار گرافیک در رویدادهای آموزشی. *پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان*، سال دوم، شماره ۱، صص: ۶۹-۹۷.
- قیانداری بیدگلی، ف. (۱۳۷۸). بررسی روش‌های آموزش واژه در زبان فارسی به عنوان زبان اول. رساله‌ی کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- گلهداری، م. (۱۳۹۰). آموزش واژگان فارسی به زبان‌آموزان غیر فارسی‌زبان. *مجموعه مقالات هفتمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی*. تهران: ستاد گسترش زبان و ادبیات فارسی، صص: ۸۶۳-۸۸۱.
- لفطی‌پور، خ. و ذوفن، ش. (۱۳۷۶). تولید و کاربرد مواد آموزشی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
- مرصوص، ف. (۱۳۸۹). تأثیر حوزه‌های معنایی و تصویر بر آموزش واژه‌ها. رساله‌ی کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- نبوی، ص. (۱۳۸۵). بررسی انواع نشانه‌های دیداری در انتقال معنای متن نوشتاری براساس کتاب‌های «بخوانیم و بنویسیم» دوره‌ی ابتدایی. رساله‌ی کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

الس، ت. و همکاران. (۱۳۷۲). *زبان‌شناسی کاربردی: یادگیری و آموزش زبان‌های خارجی*. ترجمه‌ی محمود الیاسی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- Abdolmanafirokni, J. & Karimi, N.** (2013). *A Comparative Study of the Effects of Pictorial Method and Translation Method on EFL Learners' Vocabulary Knowledge*. RJELAL, 1(4). Reterived from: <http://www.rjelal.com>.
- Carter, R. & McCarthy, M.** (1988). *Vocabulary and Language Teaching*. London: Longman.
- Celce-Murica M.** (1988). *Teaching English as a Second or Foreign Language*. New York: Harcourt Brace Jovanvich.
- Firdaus, H. A.** (2010). *The Use of Pictorial Story to Improve the Students' Understanding on English Vocabulary*. Reterived from: <http://library.walisongo.ac.id>.
- Gairns, R. & Redman, S.** (1986). *Working with Words: A Guide To Teaching and Learning Vocabulary*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hatch, E. & Brown, C.** (1995). *Vocabulary, Semantics and Language Education*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kang, S.** (1995). The Effects of a Context-Embedded Approach to Second Language Vocabulary Learning. *System*, 23(1):43-55.
- Lado, R.** (1964). *Language Teaching: A Sientific Approach*. NewYork: McGrow-Hill Inc.
- Linh, H. K.** (2011). *The Exploitation of Pictures in Teaching Vocabulary According to Communicative Approach for First Year Students at Vietnam National University*. Reterived from: <http://www.ebookspdf.org>.
- Nattinger, J.** (1988). *Some current trends in vocabulary teaching*. In R. Carter & M. McCarthy (Eds.), *Vocabulary and Language Teaching* (pp. 60-82). London: Longman.
- Sanaoi, R.** (1995). Adult Learners' Approaches to Learning Vocabulary in Second Languages. *The Modern Language Journal*, 79: 15-28.
- Tavakoli, M. & Gerami, E.** (2012). The Effect of Keyword and Pictorial Methods on EFL Learners' Vocabulary Learning and Retention. *Porta Linguarum*, 19: 299-316. Reterived from: <http://www.ugr.es>.
- Nunan, D.** (2001). *Second Language Teaching & Learning*. Tehran: Ma'refat & Zabanamuz.
- Wilkins, D. A.** (1974). *Second Language Learning and Teaching*. London: Edward Arnold Publication Ltd.
- Wright, A.** (1989). *Pictures for Language Learning*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zarei, A. & Salimi, A.** (2012). The Comparative Effects of Song, Picture and the Keyword Method on L2 Vocabulary Recognition and Production. *Applied Research on English Language*, 1(1): 43-56.
- Zarei, G. et al.** (2013). *Does It Make a Difference? L2 Vocabulary Learning via Mobile and Conventional Mode*. 1(1): Reterived from: <http://www.Scholink.org>.

پیوست (۱)

فهرست واژه‌های آموزش داده شده

چوب، دهان، چشم، نوک، ده، دریاچه، مرغابی، لاک‌پشت، کلاغ، روباه، سگ‌ها، ناراحت، ساکت، گرم، با تعجب، زیرکی، خشک، کنار، بالا، رفتن، گفتن، پریدن، شنیدن، بردن، آوردن، کار کردن، فرار کردن، پرواز کردن، فکر کردن، باز کردن، گوش کردن، دنبال کردن، گذاشتن، افتادن، فریاد زدن، آواز سردادن، چشم به چیزی/کسی افتادن، خلاص شدن.

پیوست (۲)

متن (۱) برای گروه آزمایش^۱

لاک‌پشت و مرغابی‌ها

دو مرغابی و یک لاک‌پشت در کنار یک دریاچه زندگی می‌کردند. هوا گرم شد و دریاچه خشک شد. مرغابی‌ها می‌خواستند از آن‌جا بروند. لاک‌پشت گفت من هم می‌آیم. مرغابی‌ها گفتند: تو

نمی‌توانی مثل ما پرواز کنی. لاک‌پشت ناراحت شد. مرغابی‌ها با هم فکر کردند و راهی پیدا کردند.

روز بعد کلاغ و خروس با تعجب دیدند دو مرغابی چوبی را به نوک گرفته‌اند

و لاک‌پستی را با خود می‌برند. آن‌ها فریاد زدند و گفتند: لاک‌پشت پرواز می‌کند.

مرغابی‌ها به لاک‌پشت گفته بودند در راه هر کس هر چیزی گفت گوش نکند و جواب ندهد. او مدتی ساکت

ماند و بعد فریاد زد: بله من پرواز می‌کنم، اما تا دهانش را باز کرد، بر زمین افتاد.

^۱. متن‌ها با حذف تصویر در اختیار گروه کنترل قرار گرفت.

متن (۲) برای گروه آزمایش

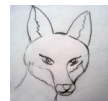
روباه و خروس



پیش چشمش به خروسی افتاد.



از کنار دهی می‌گذشت.

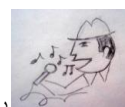


روزی روباهی

رفت و سلام کرد و گفت: دوست من، پدرت بسیار خوش‌آواز بود. تو چطور می‌خوانی؟ خروس گفت: اکنون می‌بینی که من هم مانند پدرم خوش‌آواز هستم. خروس این را گفت و فوری چشم‌هایش را بست و آواز بلندی سر داد.



روباه پرید و او را به دندان گرفت و فرار کرد. سگ‌های ده او را دنبال کردند.



خروس کمی فکر کرد و به روباه گفت: اگر می‌خواهی از دست سگ‌ها خلاص شوی، فریاد کن و بگو



که این خروس را از ده شما نگرفته‌ام. روباه با آن همه زیرکی فریب خورد. تا دهان باز کرد،

خروس از دهانش بیرون پرید و به بالای درخت رفت. روباه با ناامیدی به خروس نگاهی کرد و گفت: نفرین بر دهانی که بی‌موقع باز شود. خروس هم گفت: نفرین بر چشمی که بی‌موقع بسته شود.

پیوست (۳)

پس‌آزمون

۱. این حیوان، پرواز نمی‌کند.

الف) مرغابی ب) لاک پشت ج) کلاغ

۲. معنی هر واژه را بیابید (یک واژه اضافی است).

الف) افتادن ب) پرواز کردن ج) کلاغ د) نوک

الف) از زمین بلند شدن ب) دهان پرنده ج) زمین خوردن د) روی زمین نشستن ه) یک

پرنده

۳. متضاد فریاد زدن چیست؟

الف) گوش دادن ب) ساکت بودن ج) افتادن

۴. لاک‌پشت به حرف مرغابی‌ها در راه صحبت کرد و بر زمین افتاد.

الف) گوش نکرد ب) بازی نکرد ج) پرواز نکرد

۵. پرواز لاک‌پشت برای کلاغ و خروس عجیب بود و آن‌ها

الف) ناراحت شدند ب) تعجب کردند ج) فکر کردند

۶. روباه چشمش به خروس افتاد، یعنی:

الف) خروس را دید ب) خروس را گرفت ج) خروس را انداخت

۷. روباه از ده می‌گذشت، یعنی:

الف) رد می‌شد ب) تفریح می‌کرد ج) بازی می‌کرد

۸. معنی هر واژه را بیابید (یک واژه اضافی است).

۱) آواز سر دادن ۲) زیرکی ۳) دنبال کردن ۴) خلاص شدن

الف) آزاد شدن ب) داد زدن ج) آواز خواندن د) پشت کسی رفتن ه) باهوشی

پیوست (۴)

نمونه‌ای از تصاویر



پرواز کردن

دریاچه



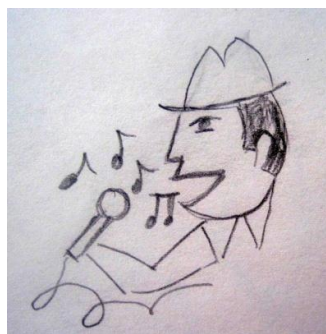
فکر کردن



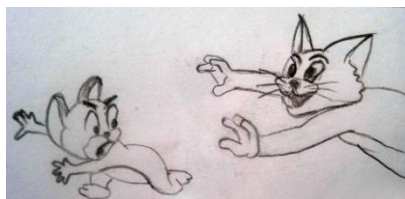
باتعجب



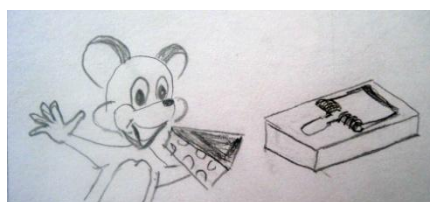
روباه



آواز سر دادن



دنبال کردن



زیرکی